

Mystic Researches in the Mirror of Scientometrics

Soheila Farhangi*
Aliakbar Khasseh**
Arezoo Ebrahimi Dinani***

Abstract

Scientometrics studies, dealing with professional evaluation of scientific researches, cover many dynamic aspects of science. Analyzing mystical researches, using scientometric methods not only determine the status of co-authorship networks of mystical researchers, but also show the quantitative growth of them as well as top authors of this field in Islamic World Science Citation Center (ISC). The population of this research consists of all mysticism or mystical literature published in ISC, which includes 1931 articles. Once the records retrieved, they were integrated and results were analyzed via SPSS and scientometrics software in form of a chart or theory. Findings of current research not only rate articles scientifically in various aspects like quantity or citation, but also determine the ranking of researchers by number of articles, h-index, and in co-authorship network based on their centrality measures relation to the other researchers.

Keywords

Mysticism, Scientometrics, Centrality, Article, Co-authorship

* Assistant Professor of Department of Persian Language and Literature, Payam-e Noor University, Iran.

** Assistant Professor of Department of information Science, Payam-e Noor University, Iran.

*** PhD, Persian Language and Literature, Guilan University, Iran.

نشریه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)

سال دوازدهم، شماره اول، پیاپی ۳۶، بهار ۱۳۹۷، صص ۱۳۲-۱۰۹

پژوهش‌های عرفانی در آینه علم‌سنجی

سهیلا فرهنگی* - علی اکبر خاصه** - آرزو ابراهیمی دینانی***

چکیده

پژوهشگران در مطالعات علم‌سنجی با ارزیابی تخصصی پژوهش‌های علمی، بسیاری از جنبه‌های پویایی علم را مطالعه می‌کنند. تحلیل پژوهش‌های عرفانی با استفاده از فنون علم‌سنجی، وضعیت شبکه هم‌نویسندگی پژوهشگران را در حوزه عرفان مشخص می‌کند؛ همچنین تعیین‌کننده روند کمی این دسته از پژوهش‌ها و نیز پژوهشگران برتر این حوزه در پایگاه استنادی جهان اسلام است. مجموعه اصلی رکوردهای مطالعه‌شده در این پژوهش همه مقاله‌های چاپ‌شده در زمینه عرفان و ادبیات عرفانی است که در پایگاه استنادی جهان اسلام نمایه شده است. پس از بازیابی رکوردهای این تحقیق (۱۹۳۱ مقاله) و یکپارچه‌کردن مجموعه رکوردها، نتایج پژوهش با استفاده از نرم‌افزارهای علم‌سنجی و همچنین «اس پی اس اس» در قالب نمودار یا نظریه ارائه می‌شود. یافته‌های این پژوهش به رتبه‌بندی علمی مقالات از جنبه‌های مختلفی مانند تعداد یا استناد آنها می‌انجامد؛ از سوی دیگر تا حد بسیاری جایگاه پژوهشگران را در عرصه نگارش بر مبنای تعداد مقاله یا شاخص اچ مشخص می‌کند؛ همچنین به جایگاه نویسندگان در عرصه هم‌نویسندگی بر مبنای مرکزیت ایشان در تعامل با دیگر پژوهشگران توجه دارد.

واژه‌های کلیدی

عرفان؛ علم‌سنجی؛ مرکزیت؛ مقاله؛ هم‌نویسندگی

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام‌نور (نویسنده مسؤول) s_farhangi@pnu.ac.ir

** استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه پیام‌نور khasseh.lisclass@gmail.com

*** دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان e.d_arezoo@yahoo.com

تاریخ پذیرش ۱۳۹۷/۳/۱۰

تاریخ وصول ۱۳۹۶/۶/۶

۱- مقدمه

عرفان و تصوف ازسویی با علوم دینی و باورهای مذهبی گره خورده و ازسوی دیگر با رشته‌هایی مانند فلسفه و ادبیات و... نزدیکی دارد. عرفان عرصه گسترده‌ای است که در آن به شیوه‌ها و با رویکردهای بسیار می‌توان پژوهش کرد. ادبیات عرفانی از مهم‌ترین شاخه‌های این عرصه گسترده است که از نظر تنوع و عمق، اهمیت بسیاری دارد؛ چنانکه برجسته‌ترین آثار ادبی یا کاملاً عرفانی است و یا با تأثیرپذیرفتن از اندیشه‌ها و رفتارهای عارفان نوشته شده است. در واقع آگاهی از مبانی و اصول عرفان در فهم برخی از این متون لازم است.

توجه پژوهشگران به تحقیق و مطالعه در مباحث عرفانی روزافزون است؛ اما بدنه اصلی این پژوهش‌ها تاکنون از نظر کمی بررسی نشده است. برای بررسی و تحلیل جنبه‌های کمی موجود در پژوهش‌ها و تولیدات علمی، تخصصی به نام علم‌سنجی وجود دارد (خاصه و دیگران، ۱۳۹۵). علم‌سنجی به روش‌هایی کمی گفته می‌شود که علم را در جایگاه فرایندی اطلاعاتی تحلیل می‌کند و هدف آن درک بهتر فرایند اساسی پژوهش‌های علمی در جایگاه نوعی فعالیت اجتماعی است. در این راستا جریان تولید و توزیع و استفاده از اطلاعات بررسی می‌شود (عصاره، ۱۳۷۶). علم‌سنجی در لغت به معنای دانش اندازه‌گیری علم است و به زبان ساده به مطالعه جنبه‌های کمی علم برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری پژوهشی یا اقتصادی در پژوهش‌های فردی، گروهی، سازمانی، ملی یا بین‌المللی گفته می‌شود. همان‌طور که از نام آن پیداست این اصطلاح برای مطالعه همه جنبه‌های نوشتاری علم و فناوری استفاده شده است. از این روش برای اندازه‌گیری کمی علوم در سطح ملی و بین‌المللی مؤسسات دولتی و خصوصی استفاده می‌شود. جنبه مشترک تعریف‌های موجود در علم‌سنجی، تجزیه و تحلیل کمی برون داده‌های علمی و کمی بودن نوع کار است. در این تعریف‌ها، سنجش و اندازه‌گیری به روش کمی و با کاربرد روش‌های آمار و ریاضی بر تولیدات و انتشارات علمی و فناورانه است. همه این تلاش‌ها در مسیر کمک به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری علمی و پژوهشی و فناورانه برای اندازه‌گیری کنترل و مدیریت رشد و توسعه علوم و فناوری صورت می‌گیرد. هدف نهایی، بالابردن وضعیت تولید علم و شناسایی مسیرهای پیشرفت و کمک به آینده‌نگری و آینده‌نگاری و برنامه‌ریزی برای توسعه علم و پیشرفت علمی است. مطالعات علم‌سنجی در زمینه‌های موضوعی گوناگون و در ابعاد و اندازه‌های مختلف اجرا می‌شود. دامنه این

مطالعات از دانشمندان انفرادی تا مؤسسات پژوهشی و مراکز دانشگاهی و مناطق و کشورها را در بر می‌گیرد؛ مثلاً پژوهشگر ممکن است متون تدوین‌شده را به ترتیب فراوانی مدارک تولیدشده از نویسنده، کشور، دانشگاه، یا برپایه سال انتشار و حوزه‌های علمی، رتبه‌بندی و بررسی کند (عصاره، سهیلی، منصور، ۱۳۹۳).

امروزه علم‌سنجی یکی از متداول‌ترین روش‌های ارزیابی فعالیت‌های علمی و مدیریت پژوهش به شمار می‌رود. بررسی کمی تولیدات علمی، سیاست‌گذاری علمی، ارتباطات علمی دانش‌پژوهان، طرح نقشه معرفت‌شناختی و علمی حوزه‌های مختلف دانش، ترسیم نقشه علم و... برخی از موضوعات این حوزه است (عصاره و دیگران، ۱۳۸۸). بخش درخور توجهی از مطالعات علم‌سنجی با تمرکز بر حوزه‌های موضوعی اجرا می‌شود؛ به طوری که تأکید خود را بر یک حوزه مطالعاتی خاص قرار می‌دهد و سپس با استفاده از شاخص‌ها و فنون علم‌سنجی، تصویری جامع از آن حوزه موضوعی ارائه می‌کند.

از رایج‌ترین شاخص‌ها در علم‌سنجی، بهره‌وری (تعداد مقالات)، کارایی (تعداد استنادات) و شاخص اچ است. همچنین یکی از پرستفاده‌ترین فنون علم‌سنجی، تحلیل هم‌نویسندگی است که رسمی‌ترین جلوه همکاری فکری میان نویسندگان در تولید پژوهش‌های علمی به شمار می‌رود. هم‌نویسندگی، مشارکت دو یا چند نویسنده در تولید یک اثر است؛ به گونه‌ای که در مقایسه با زمانی که یک فرد به تنهایی اثری را تولید و منتشر می‌کند، به تولید برون‌دادی علمی با کیفیتی بالاتر می‌انجامد (هادسون، ۱۹۹۶). نگارندگان در این پژوهش، با توجه به شاخص‌ها و فنون یادشده، کوشیده‌اند تا اطلاعات مفیدی درباره پژوهش‌های حوزه عرفان ارائه کنند. با توجه به نبود تحلیل‌های علم‌سنجی در مطالعات حوزه عرفان، به نظر می‌رسد انجام چنین پژوهشی اطلاعات مفیدی را - به ویژه با ارائه تصویری عینی از وضعیت پژوهش‌های این حوزه - در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. چنانکه پژوهشگر حوزه عرفان نخست با در نظر گرفتن مهم‌ترین و بیشترین تحقیقات انجام‌شده در زمینه‌هایی خاص، با کلیات پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه عرفان آشنا می‌شود؛ در نتیجه تأثیرگذارترین پژوهشگران و پژوهش‌ها را می‌شناسد. دیگر آنکه تعیین وضعیت کاربردی این دسته از مطالعات و پژوهش‌ها تا حد بسیاری روند افزایش یا کاهش برخی از موضوعات را در دوره‌های مختلف برای خواننده آشکار می‌کند. همچنین آشنایی با میزان ارتباط و تعامل

پژوهشگران در نگارش مقالات، عامل مهمی در ارزیابی کیفیت مقالات یا نویسندگان برتر خواهد بود. در راستای این اهداف، این پژوهش جستاری برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر است:

(۱) روند کمی پژوهش‌های عرفان در پایگاه استنادی جهان اسلام چگونه بوده و پراستنادترین آثار کدام است؟

(۲) پژوهشگران برتر حوزه عرفان در پایگاه استنادی جهان اسلام از نظر شمار مقاله و تعداد استناد و شاخص اچ چه کسانی هستند؟

(۳) شبکه هم‌نویسندگی پژوهشگران حوزه عرفان چه وضعیتی دارد؟

(۴) رتبه‌بندی پژوهشگران حوزه عرفان از نظر شاخص‌های مرکزیت (رتبه و بینابینی و نزدیکی) چگونه است؟

۱-۱ روش پژوهش

این پژوهش، کاربردی است و با استفاده از فنون علم‌سنجی و همچنین به روش تحلیل شبکه اجرا می‌شود. جامعه آماری این پژوهش مقالاتی را در بر می‌گیرد که در حوزه عرفان در پایگاه استنادی آی اس سی (ISC) نمایه شده و شامل مجلات علمی - پژوهشی و تخصصی است. بنابراین مجموعه اصلی نمونه‌های مطالعه در این پژوهش، همه مقاله‌های چاپ‌شده در هفت مجله ادیان و عرفان، ادبیات عرفانی، ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی، پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهرگویای سابق)، پژوهشنامه عرفان، عرفان اسلامی و مطالعات عرفانی است. بررسی‌ها نشان داد که ۱۴۲۳ مقاله تاکنون از هفت مجله نامبرده در پایگاه استنادی جهان اسلام نمایه شده است. البته در بعضی از این مجله‌ها، مقاله‌هایی با موضوعات غیر عرفانی هم منتشر شده است؛ مانند مجله ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی که تقریباً نیمی از مقالات آن درباره اسطوره است و یا مجله ادیان و عرفان که تعدادی از مقالات آن درباره ادیان است. پیشتر مجله گوهرگویا نیز مقاله‌هایی در حوزه‌های مختلف ادبی منتشر می‌کرد؛ اما پس از مدتی به‌طور تخصصی به پژوهش‌های عرفانی پرداخت و نام آن نیز به پژوهش‌های ادب عرفانی تغییر یافت. در این‌گونه مجله‌ها، مقاله‌های غیر عرفانی از حوزه بررسی خارج شد.

همچنین برای دستیابی به مرتبط‌ترین مقاله‌ها و افزایش جامعیت پژوهش‌های مطالعه‌شده - افزون‌بر همه مقالاتی که در این هفت مجله به چاپ رسیده است - به سایر مقالات با موضوع

عرفان که در مجلات دیگر منتشر شده بود نیز توجه شد؛ البته با این شرط که در عنوان آنها یکی از واژه‌های عرفان، عرفانی، عارف، عرفا، تصوف، صوفی وجود داشته باشد. استفاده از این راهبرد جستجو به بازبانی ۱۳۱۳ مقاله انجامید.

سپس با بررسی محتوایی همه مقالات، عنوان‌های تکراری و نامرتب با حوزه عرفان از مجموعه خارج شد. سرانجام ۱۹۳۱ مقاله برای نمونه‌های نهایی مربوط به حوزه عرفان انتخاب و به مرحله تجزیه و تحلیل وارد شد. گفتنی است تاریخ جستجو و استخراج مشخصات مقاله‌ها از پایگاه استنادی جهان اسلام ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۶ است.

پس از مشخص شدن مقالات نهایی و استخراج مشخصات این مقالات، نگارندگان به یک‌دست‌سازی اسم‌ها (تلفیق و یکسان‌سازی اسامی‌ای که هویت واحدی داشتند) و اصلاح نمونه‌ها، برپایه پرسش‌های پژوهش و داده‌ها پرداختند.

۲- روند کمی پژوهش‌های عرفان و مقاله‌های پراستناد

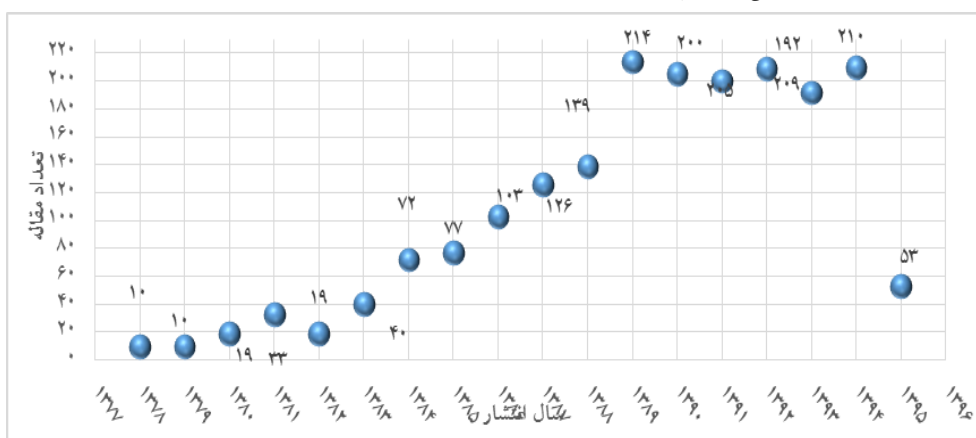
۲-۱ روند رشد سالانه

بیشتر در بخش روش‌شناسی پژوهش اشاره شد که برپایه راهبرد به‌کاررفته برای شکل‌گیری داده‌های این پژوهش، ۱۹۳۱ مقاله در ارتباط با مطالعات عرفان به دست آمد. این پژوهش‌ها در فاصله زمانی ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۵ در پایگاه استنادی جهان اسلام چاپ شده است.

شکل ۱ توزیع فراوانی انتشارات حوزه عرفان را در گذر زمان نشان می‌دهد. برپایه داده‌های موجود در نمودار، بیشترین مدارک در حوزه عرفان، در سال ۱۳۸۹ (۲۱۴ مدرک معادل ۱۱/۰۸ درصد) و کمترین مدارک، در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ (۱۰ مدرک معادل ۰/۵۲ درصد) منتشر شده است. به‌طورکلی بررسی داده‌های مربوط به تعداد مدارک تولیدشده به تفکیک سال، بیانگر سیر صعودی مطالعات انجام‌شده در این حوزه است. البته شدت این سیر در سال‌های اخیر بیشتر و مستمر بوده است. از دلایل رشد و سیر صعودی پژوهش‌ها در این عرصه، توسعه مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی در دهه‌های اخیر و در نتیجه افزایش تعداد اعضای هیئت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی در جایگاه محققان عرصه عرفان است. همچنین افزایش تعداد پایگاه‌های انتشاراتی در دانشگاه‌ها برای ارائه مقالات پژوهشگران در این حوزه، نقش مهمی در گسترش تحقیقات ایشان

داشته است. از سوی دیگر برگزاری کنفرانس‌های علمی – تحقیقی درباره موضوعات عرفانی و شخصیت‌های بزرگ عرفان و تصوف، زمینه مساعدی برای افزایش مطالعات و پژوهش‌های مرتبط در این زمینه ایجاد کرده است.

البته درباره تعداد پژوهش‌های مربوط به سال ۱۳۹۵ ذکر این نکته ضروری است که مقالات با تأخیر وارد پایگاه استنادی جهان اسلام می‌شود و به همین سبب تعداد مقالات مربوط به این سال در حال حاضر به‌طور کامل وارد پایگاه نشده است.



شکل ۱: توزیع فراوانی مدارک منتشرشده در حوزه عرفان

۲-۲ مقالات پراستناد

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های تعیین مقالات برتر، میزان استنادها به این مقالات است. متخصصان علم‌سنجی، تعداد استنادها را به‌منزله کارآیی پژوهشی می‌دانند (بورگمن، ۱۹۹۰؛ لانگ و دیگران، ۲۰۱۴)؛ برخی نیز آن را نشان‌دهنده کیفیت پژوهش می‌دانند (کینگ، ۱۹۸۷؛ لاوانی، ۱۹۷۷). به همین سبب در این بخش از پژوهش، مقالات حوزه عرفان از نظر تعداد دریافت استناد بررسی شده است.

برپایه بررسی داده‌ها در ۲۲ مقاله، پراستنادترین مقاله‌ها حداکثر ۶ و دست‌کم ۳ استناد داشته است. بیشترین تعداد این مقالات در مجله ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی به چاپ رسیده است. جدول ۱ مشخصات پراستنادترین آثار منتشرشده در حوزه عرفان را نشان می‌دهد. از بررسی و تأمل در موضوع این ۲۲ مقاله می‌توان دریافت که محور موضوعی این مقالات بیش از همه درباره تحلیل آثار و افکار شخصیت‌های مشهور و بزرگ عرفانی است، به‌طوری‌که کمابیش در نیمی از

مقالات یعنی در ۹ مورد، آثار و اندیشه‌های عارفان بررسی شده است و مولانا و عطار به ترتیب از پرکاربردترین شخصیت‌های عرفانی در این پژوهش‌ها بوده‌اند و اگر یونگ و ماندالا را نیز به این دسته بیفزاییم دقیقاً نیمی از مقالات، یعنی ۱۱ مقاله با موضوع نامبرده نوشته شده است؛ بنابراین با نگاهی کلی می‌توان گفت توجه پژوهشگران برتر حوزه عرفان، با توجه به مقالات پراستناد ایشان، بیش از همه درباره شخصیت‌های عرفانی و آثار ایشان و گاهی بررسی تحلیلی مفاهیم عرفانی و مباحث توصیفی و تاریخی یا تبیین یک جریان خاص بوده است.

در باب ارجاعات این دسته از مقاله‌ها نیز همان‌طور که اشاره شد، بیشترین مقالات پراستناد ابتدا در مجله ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی و سپس در پژوهش‌های ادب عرفانی به چاپ رسیده است. در پیوند این موضوع با مطلب پیشین باید گفت از میان ۱۱ مقاله‌ای که در جایگاه مقالات مشترک در شیوه و رویکرد موضوعی نام برده شد، ۹ مقاله در این دو مجله چاپ شده است. این نتیجه بیانگر آن است که میزان رجوع پژوهشگران به این دو مجله بر مبنای موضوع مقالاتی است که بیشتر در این دو مجله پذیرفته می‌شود و آن پرداختن به شخصیت‌های بزرگ ادبیات عرفانی و بررسی آنان از دیدگاه‌هایی مانند روانشناسی است. البته شخصیت‌های بزرگی مانند مولانا و عطار نیشابوری بخش مهم و اصلی ادبیات عرفانی، در جایگاه شاخه‌ای از مطالعات عرفانی، را تشکیل می‌دهند و بنابراین بیشترین توجه نیز به موضوعاتی با این عنوان‌هاست.

جدول ۱: یافته‌های مربوط به پراستنادترین مقاله‌ها

عنوان	نویسنده	نام مجله	سال نشر	تعداد استناد
«عرفان اسلامی، مکتب تسامح و تساهل»	نیکوبخت ن	نشر پژوهی ادب فارسی	۱۳۸۳	۶
«نقد و تحلیل حکایت شیخ صنعان براساس نظریه فرآیند فردیت» یونگ	بزرگ بیگدلی س؛ پورابریشم	ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی	۱۳۹۰	۵
«تطور تاریخی نظریه فطرت در فلسفه و عرفان اسلامی»	غفوری‌نژاد م	آینه معرفت	۱۳۸۹	۴

۴	۱۳۸۸	ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی	پشت‌دار علی م؛ عباس‌پور خرمالو م	«کرامت از دیدگاه عرفان اسلامی و نظریه روان‌شناختی یونگ»
۴	۱۳۸۷	روانشناسی بالینی و شخصیت	شمشیری ب	«جهانی‌شدن و تربیت دینی از منظر مدرنیسم، پست‌مدرنیسم و عرفان اسلامی»
۴	۱۳۸۷	مطالعات عرفانی	نیکوبخت ن؛ قاسم‌زاده ع	«سمبولیسم نور و رنگ در عرفان ایرانی - اسلامی»
۴	۱۳۸۳	انجمن معارف اسلامی	کاکایی ق	«تجربه دینی، تجربه عرفانی و ملاک‌های بازشناسی آن»
۴	۱۳۸۷	پژوهش‌های ادب عرفانی	ظهیری ناو ب؛ علائی ایلخچی م؛ رجبی س	«بررسی تطبیقی نمودهای خودشکوفایی در مثنوی با روان‌شناسی انسان‌گرایانه آبراهام مزلو»
۳	۱۳۸۴	انجمن معارف اسلامی	رحیمیان س	«ارتباط خودشناسی با خداشناسی در عرفان ابن عربی»
۳	۱۳۸۴	مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان	دهباشی م؛ اولیایی نیا ه؛ مهدوی‌زاده م؛ کسایان ز؛ ماتیان آ	«بررسی تطبیقی مضمون بازگشت به اصل در ادبیات عرفانی جهان»
۳	۱۳۸۴	خردنامه صدرا	خادمی عین ا	«چگونگی پیدایش کثیر از واحد (نظام فیض) از نظر عرفا»
۳	۱۳۸۳	نشر پژوهی ادب فارسی	نیری محمدی؛ امینی لاری ل	«وجوه عرفانی قرآن در متون تفسیر، حکمت و ادب فارسی»
۳	۱۳۸۲	هنرهای زیبا	پازوکی ش	«مقدماتی درباره مبادی عرفانی هنر و زیبایی در اسلام با اشاره به مثنوی معنوی»

۳	۱۳۸۱	قبسات	قدردان قراملکی محمد ح	«حقیقت وحی، تجربه دینی یا عرفانی؟»
۳	۱۳۷۹	مدرس علوم انسانی	قاسم پور راوندی ح؛ مهدوی راد م	«ظاهر و باطن در تفسیر عرفانی»
۳	۱۳۹۱	پژوهش‌های ادب عرفانی	میرباقری فرد علی ا	«عرفان عملی و نظری یا سنت اول و دوم عرفانی؟ (تأملی در مبانی تصوف و عرفان اسلامی)»
۳	۱۳۹۱	پژوهش‌های ادب عرفانی	علی زاده ن؛ سلیمیان س	«کانون روایت در الهی‌نامه عطارد براساس نظریه ژرار ژنت»
۳	۱۳۹۱	پژوهش‌های ادب عرفانی	روحانی م؛ شوبکلایی علی ا	«تحلیل داستان «شیخ صنعان» منطقی الطیر عطارد براساس نظریه کنشی گرماس»
۳	۱۳۸۹	ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی	اتونی ب	«نگاره ماندالا، ریختار ساخت اسطوره، حماسه اسطوره‌ای و عرفان»
۳	۱۳۸۸	ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی	بزرگ بیگدلی س؛ قبادی ح؛ نوروزی داودخانی ث	«بررسی و تحلیل درد و رنج‌های بشری در اندیشه مولوی»
۳	۱۳۸۸	ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی	نیکوبخت ن	«مولوی و حل معمای جبر و اختیار در مکتب عشق»
۳	۱۳۸۸	ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی	اسداللهی خ	«اندیشه‌های عرفانی عین‌القضات در باب ابلیس»

۲-۳ منابع مقاله‌ها

تعداد کل منابع در مقالات، ۴۹۳۲۸ منبع بود که با در نظر گرفتن میانگین، هر مقاله ۲۵/۵۴ منبع دارد. از میان ۲۰ مقاله‌ای که با بیشترین شمار منابع بررسی شد، تعداد منابع حداکثر ۲۸۰ و دست‌کم ۸۲ منبع بوده است. جدول ۲ بیشترین تعداد فهرست منابع را نشان می‌دهد.

گفتنی است نویسندگان این مقالات به جز دو مورد (مرتضی شجاری و بزرگ بیگدلی) جزو نویسندگان برتر (با شاخص اچ) نبوده‌اند و بنابراین این دسته از مقالات جزو مقالاتی به شمار می‌رود که استناد به آنها کم یا صفر بوده است؛ پس می‌توان گفت در حوزه عرفان و تصوف، ارجاع به منابع متعدد در بالابردن کیفیت آنها یا کمیت استناد به آنها چندان مؤثر نیست؛ بلکه بیشتر، موضوع و به‌طور خاص نگاه تازه و تحلیلی به آثار و سخنان بزرگان عرفان و تصوف است که اهمیت ویژه‌ای در بالارفتن استناد آنها دارد.

از سوی دیگر با تأمل بر عنوان مقالات چنین به نظر می‌رسد که دوسوم این مقالات (مقاله‌های با منابع بسیار)، توصیفی - تاریخی یا توصیفی محض است؛ این مقاله‌ها عناصر یا مبانی خاصی از آیین مشخص و وقایع تاریخی یا شخصیت‌های تاریخی مرتبط با عرفان و تصوف را توصیف و تبیین می‌کند. این موضوع بیانگر این حقیقت است که نویسندگان به اقتضای موضوع، ناگزیر به منابع فراوان ارجاع داده‌اند. نمونه‌هایی از این مقالات عبارت است از: «شرح حال ترمذی و آثار و اندیشه‌های او»، «تعامل و تقابل تصوف و تشیع در عصر صفوی»، «صدق در طریقت کبرویه» و

جدول ۲: بیشترین تعداد فهرست منابع

تعداد منابع	سال نشر	مجله	نویسنده	عنوان مقاله	
۲۸۰	۱۳۹۳	ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی	حیدری ب؛ نوریان سید م؛ طغیانی ا	«بررسی تحلیلی عبارت «مَنْ عَشِقَ فَكَتَمَ وَ عَفَّ فَمَاتَ فَهُوَ شَهِيدٌ» براساس متون عربی و فارسی»	۱
۱۶۰	۱۳۹۰	عرفان اسلامی	محمدزاده ن	«جایگاه پیر در سلوک عرفانی (از منظر عرفای کبرویه)»	۲
۱۲۷	۱۳۸۷	معارف عقلی	عباسی ولی ا	«جان هیک و کثرت‌گرایی دینی عرفانی؛ تحلیل و نقد»	۳
۱۲۷	۱۳۹۴	ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی	روحانی م؛ حق‌جو س؛ شویکلائی علی ا	«بررسی وحدت وجود در رباعیات بیدل دهلوی»	۴
۱۲۶	۱۳۸۸	عرفان اسلامی	مولایی ف	«شرح حال ترمذی و بررسی آثار و اندیشه‌های عرفانی او»	۵
۱۲۴	۱۳۸۹	معارف عقلی	عباسی ولی ا	«نگاهی به وحدت ادیان از چشم‌انداز	۶

				عرفان»	
۱۲۰	۱۳۹۱	ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی	محمود خ؛ حاجی پور م	«کرده‌ام توبه به دست صنم باده‌فروش... (تحلیل یک آیین فراموش شده)»	۷
۱۱۷	۱۳۹۴	مطالعات عرفانی	خالدی ا	«چگونگی استفاده عارفان از حدیث «الفقر فخری» و رویارویی محدثان با این روایت»	۸
۱۱۰	۱۳۹۳	پژوهش‌های تاریخی	تشکری علی ا؛ نقیبی ا	«تعامل و تقابل تصوف و تشیع در عصر صفوی»	۹
۱۰۶	۱۳۹۲	ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی	شجاری م؛ گوزلی ز	«دل آدمی و مراتب آن در عرفان اسلامی»	۱۰
۱۰۵	۱۳۹۰	عرفان اسلامی	مسبوق م؛ فرزبوند ح	«سیر تحول شعر صوفی در ادب عربی از آغاز تا ابوالحسن ششتی»	۱۱
۱۰۴	۱۳۹۳	ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی	صدری نیاب؛ ابراهیم پور نمین م	«دگرگونی گستره کرامات در مناقب‌نامه‌های مشایخ تصوف»	۱۲
۱۰۲	۱۳۹۴	ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی	خائفی ع؛ هوشیار کلویر ب	«نمادهای اسطوره‌ای در سایه نور عرفانی در هفت‌پیکر نظامی»	۱۳
۹۹	۱۳۹۳	ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی	فتاحی ز؛ پازوکی ش	«بررسی خلوت و تحول آن در تصوف»	۱۴
۹۷	۱۳۹۰	مطالعات عرفانی	موحدی محب ع	«درنگی معناشناختی پیرامون واژه لاابالی در ادب و حدیث و عرفان»	۱۵
۹۷	۱۳۹۵	ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی	موسوی س	«شناسایی و بررسی انواع منابع حاوی خوارق عادات صوفیه»	۱۶
۹۶	۱۳۹۴	ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی	صافحیان م؛ رشیدآبادی ز	«بررسی بازتاب نمادین آتش در دو داستان مثنوی با رویکرد تطبیقی»	۱۷
۹۵	۱۳۸۹	عرفان اسلامی	محمدزاده ن	«صدق در طریقه کبرویه»	۱۸
۸۸	۱۳۹۳	ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی	حاجیان خ؛ بزرگ بیگدلی س	«خرقه‌سوزی در شعر حافظ»	۱۹
۸۲	۱۳۹۴	ادیان و عرفان	خزلسی م؛ سبزیان پور و	«جستاری در شناخت مأخذ کتاب پند پیران»	۲۰

۳- نویسندگان

۱-۳ میانگین نویسندگان

برپایه بررسی‌های انجام‌شده، میانگین تعداد نویسنده در هر مقاله ۱/۴۹ نفر است. این نسبت نشان می‌دهد که پژوهشگران حوزه عرفان و ادبیات عرفانی بیشتر از دیگر حوزه‌ها فردگرا هستند و تمایل کمتری به انجام پژوهش‌های مشارکتی دارند.

۲-۳ نویسندگان برتر

الف) مبنای تعداد مقاله‌ها

از میان نویسندگانی که بیشترین مقالات را در زمینه عرفان نوشته‌اند محمدتقی مصباح، علی‌اکبر افراسیاب‌پور و علی‌اصغر میرباقری فرد به ترتیب دارنده بیشترین مقالات چاپی در مجلات مرتبط با عرفان بوده‌اند.

جدول ۳: نویسندگان برتر از نظر تعداد مقاله

رتبه	نام نویسنده	تعداد مقاله
۱	مصباح م	۳۷
۲	افراسیاب‌پور علی ا	۲۹
۳	میرباقری فرد علی ا	۲۲
۴	شجاری م	۲۰
۵	عقدایی ت	۱۹
۶	فنائی اشکوری م	۱۷
۷	وکیلی ه	۱۵
۸	کاکایی ق	۱۳
۹	رودگر محمدج	۱۳
۱۰	حسینی م	۱۳
۱۱	آقاحسینی ح	۱۲
۱۲	آریان ح	۱۲
۱۳	سرامی ق	۱۲
۱۴	خوشحال دستجردی ط	۱۱
۱۵	گرچی م	۱۱

۱۰	عناقه ع	۱۶
۱۰	زمانی م	۱۷
۹	یوسف ثانی سید م	۱۸
۹	نصیری م	۱۹
۹	پناهی م	۲۰
۹	پازوکی ش	۲۱
۹	محمودیان ح	۲۲
۹	گرگیان محمد م	۲۳
۹	محمدی کله‌سرع	۲۴
۹	نزهت ب	۲۵

ب) مبنای استناد

نتایج بررسی تعداد استناد به مقاله‌های پژوهشی عرفانی نشان می‌دهد که ۱۹۳۱ مقاله نوشته شده در این حوزه، تنها ۳۱۱ استناد دریافت کرده‌اند که به‌طور میانگین دریافت استناد برای هر مقاله برابر با ۰/۱۶ خواهد بود. این نتیجه آماری نشان می‌دهد که میزان ارجاع به مقاله‌های پژوهشگران حوزه عرفان و ادبیات عرفانی در میان ایشان بسیار اندک است. از جمله دلایل این مسئله ترجیح ارجاع به متون صوفیه یا متون پژوهشگران تصوف در جایگاه منابع اصلی از دیدگاه ایشان است؛ همچنین همان‌گونه که در بخش پیش اشاره شد، توجه پژوهشگران بیشتر به موضوعاتی با محوریت شخصیت و اندیشه عرفای مشهور بوده است که خود صاحب آثار بزرگی بوده‌اند.

چنانکه در جدول زیر مشاهده می‌شود بیشترین استناد به مقالات پراستنادترین نویسندگان حوزه عرفان، ۱۵ بار است که این عدد در مقایسه با تعداد مقالات چاپ شده بسیار ناچیز است.

جدول ۴: پراستنادترین نویسندگان حوزه عرفان

تعداد استناد	نام نویسنده
۱۵	مصباح م
۱۳	نیکوبخت ن
۹	بزرگ بیگدلی س
۹	میرباقری فرد علی ا

۶	قبادی ح
۶	رحیمیان س
۵	خادمی عین ا
۵	پازوکی ش
۵	حسینی م
۵	دستمالچی و
۵	پورا بریشم ا
۵	شجاری م
۵	شمشیری ب
۵	کاکایی ق
۵	غفوری نژاد م
۴	گرچی م
۴	پشت‌دار علی م
۴	مشتاق مهر ر
۴	عباسپور خرمالو م
۴	علائی ایلخچی م
۴	ظهیری ناو ب
۴	قاسم‌زاده ع
۴	رجبی س
۴	روضاتیان م
۴	اسداللهی خ

ج) مبنای شاخص اچ^۱

شاخص اچ امروزه یکی از رایج‌ترین معیارهای ارزیابی برتری علمی نویسندگان است که برپایه میزان استناد به مقالات یا نوشته‌های ایشان ارزیابی می‌شود. در بررسی انجام‌شده در ارزیابی شاخص اچ برای نویسندگانی که بیشترین استناد به مقاله‌های آنها دیده می‌شود این نتیجه به دست

می‌آید که تنها ۷ نویسنده بالاترین شاخص اچ را دارند که از میان آنان نیکوبخت با شاخص اچ ۳، برترین نویسنده در حوزه عرفان و ادبیات عرفانی مطرح می‌شود. شاخص اچ ۳ به این معناست که از کل مقالات نیکوبخت در حوزه عرفان، سه مقاله به حد نصاب دریافت ۳ استناد رسیده است. دیگر نویسندگان با بالاترین شاخص اچ، در جدول ۵ دیده می‌شوند.

جدول ۵: نویسندگان با بالاترین شاخص اچ

ردیف	نام نویسنده	تعداد مقاله	تعداد استناد	شاخص اچ
۱	نیکوبخت ن	۷	۱۳	۳
۲	قبادی ح	۷	۶	۲
۳	بزرگ بیگدلی س	۷	۹	۲
۴	خادمی عین ا	۳	۵	۲
۵	رحیمیان س	۶	۶	۲
۶	پازوکی ش	۹	۵	۲
۷	میرباقری فرد علی ا	۲۲	۹	۲

۳-۳ شبکه هم‌نویسندگی

یکی از عوامل مهم تأثیرگذاری یک پژوهشگر در حوزه تخصصی‌اش، شیوه تعامل او با سایر پژوهشگران است (تروئکس و دیگران، ۲۰۰۹). شبکه هم‌نویسندگی، شبکه‌ای اجتماعی و دربرگیرنده مجموعه‌ای از پژوهشگران است که هرکدام از آنها با یک یا چند پژوهشگر دیگر در ارتباط‌اند، مشروط بر اینکه در یک یا چند مقاله باهم، هم‌نویسنده باشند. به عبارت دیگر، تحلیل هم‌نویسندگی بر این اصل استوار است که وقتی دو یا چند پژوهشگر به‌طور مشترک مقاله‌ای می‌نویسند، می‌توان فرض کرد که پیوندهایی از نوع فکری و اجتماعی بین آنها وجود دارد.

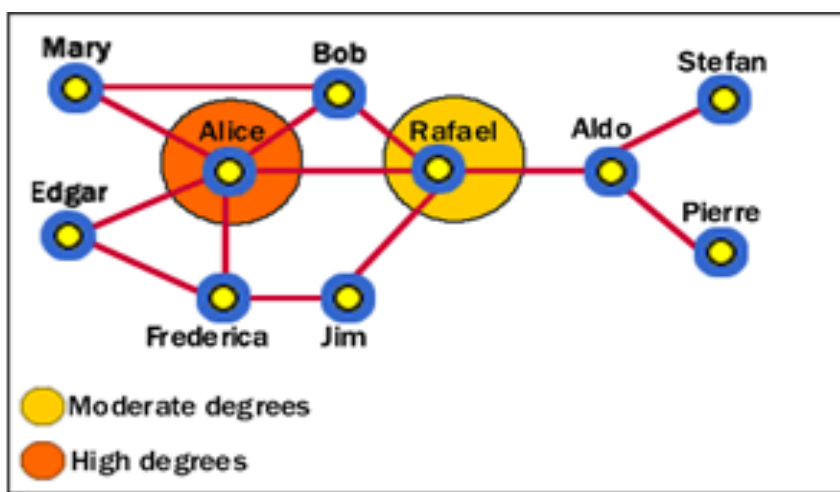
اساسی‌ترین موضوع در تحلیل شبکه‌های هم‌نویسندگی، تعاملات میان عامل‌هاست. با تحلیل فعالیت‌های مشترک پژوهشگران از چشم‌اندازهای مختلفی که نقش‌هایشان را در شبکه‌های همکاری جهانی در نظر می‌گیرند، دانشی درباره ساختار جوامع پژوهشی به دست می‌آید (سهیلی،

(۱۳۹۱). همچنین با بررسی شبکه هم‌تألیفی (هم‌نویسندگی) ساختار اجتماعی دانش را در یک حوزه خاص می‌توان ترسیم کرد.

برای به دست آوردن و ارزیابی روابط هم‌تألیفی، بیشتر از تحلیل شبکه اجتماعی استفاده می‌شود و یکی از روش‌های کاربردی آن، تحلیل مرکزیت است. مرکزیت از جمله شاخص‌های مهم در تحلیل شبکه است و انواع و تعداد روابطی را نشان می‌دهد که عضوی از شبکه با سایر اعضای آن شبکه برقرار کرده است. این شاخص پراهمیت برای شناسایی و تعیین مهم‌ترین و تأثیرگذارترین افراد در یک شبکه استفاده می‌شود. مهم‌ترین و کاربردی‌ترین انواع مرکزیت‌ها عبارت است از: مرکزیت درجه (رتبه)، نزدیکی (مجاورت)، بینایی.

الف) مرکزیت درجه

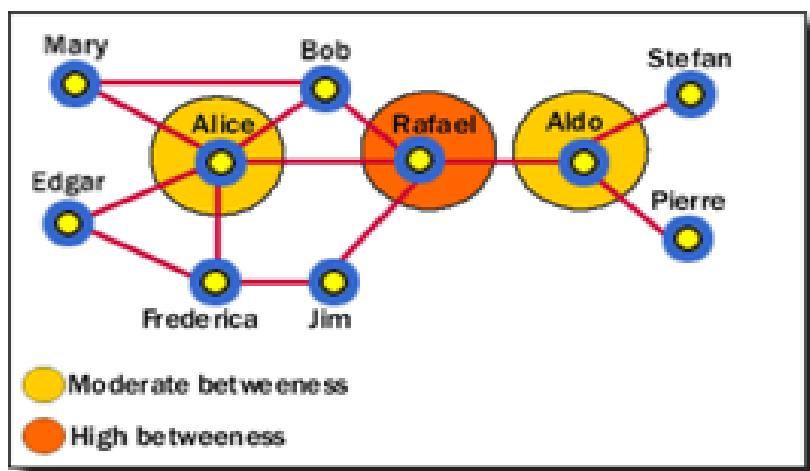
مرکزیت درجه ساده‌ترین نوع مرکزیت است که ارزش هر گره (پژوهشگر) را با شمارش تعداد همسایگانش نشان می‌دهد و تعداد همسایگان برپایهٔ رابط‌هایی به دست می‌آید که به آن گره متصل هستند. هرچه مرکزیت درجهٔ یک فرد بیشتر باشد، او ارتباطات و شبکهٔ بیشتری در اختیار دارد و تأثیرگذارتر است. به عبارت دیگر، در یک شبکه هم‌تألیفی، مرکزیت درجهٔ هر فرد نشان‌دهندهٔ تعداد هم‌تألیفی او با سایر افراد حاضر در شبکه است. برای مثال در نمونهٔ زیر، آلیس بالاترین مرکزیت رتبه را دارد و این به آن معناست که او کاملاً در شبکه فعال است (سهیلی، ۱۳۹۱).



شکل ۲: رتبهٔ مرکزیت در یک شبکه (همان)

ب) مرکزیت بینابینی

مرکزیت بینابینی جایگاه یک گره را در شبکه برپایه توانایی آن در مرتبط کردن سایر جفت‌ها یا گروه‌ها در شبکه نشان می‌دهد. مرکزیت بینابینی براساس تعدادی از کوتاه‌ترین مسیرهایی است که از یک رأس عبور می‌کند. رئوس با بینابینی بالا با گروه‌های مختلفی ارتباط دارد (یان و دینگ، ۲۰۰۹). بالا بودن مرکزیت بینیت، نشان‌دهنده ارزش گره است. برای مثال اگر یک گره تنها بین دو خوشه غیرمرتبط ارتباط برقرار کند، پس این گره ارزش بسیار بالایی از نظر مرکزیت بینیت دارد. اگر یک گره در شبکه، نقش واسطه ارتباطی بین سایر گره‌ها را ایفا کند و در انتقال اطلاعات نقش حیاتی داشته باشد، مرکزیت بینیت بالایی دارد، به طوری که اگر این گره حذف شود، شاید جریان اطلاعات در شبکه متوقف شود. در مثال زیر رافائل بالاترین مرکزیت بینابینی را دارد؛ زیرا او بین آلیس و آلدو - که میان سایر موجودیت‌ها هستند - قرار دارد. آلیس و آلدو بینابینی اندکی دارند؛ زیرا آنها به طور اساسی تنها بین دسته‌های خود هستند؛ بنابراین اگرچه آلیس بالاترین رتبه مرکزیت را داراست، رافائل در بعضی از جنبه‌های خاص اهمیت بیشتری در شبکه دارد (سهیلی، ۱۳۹۱).

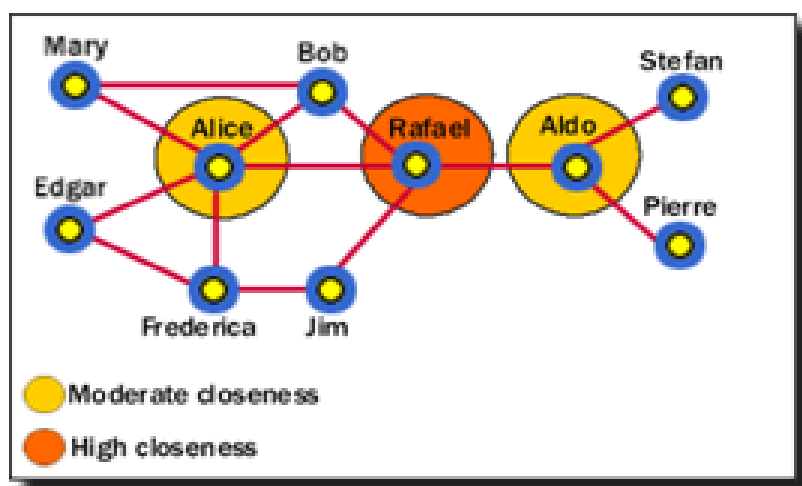


شکل ۳: شبکه بینابینی مرکزیت عامل‌ها در یک شبکه (همان)

ج) مرکزیت نزدیکی

این شاخص فاصله یک فرد را با کلیه افراد دیگر در شبکه می‌سنجد؛ هر اندازه یک فرد به دیگران نزدیک‌تر باشد، آن فرد، برگزیده‌تر و مشهورتر است. اینکه یک موجودیت در شبکه چه قدر سریع به موجودیت‌های بیشتری در آن شبکه دسترسی یابد، سنج‌های است که مرکزیت نزدیکی را

می‌سنجد. شاخص نزدیکی یک گره بیانگر میانگین طول کوتاه‌ترین مسیرهای موجود میان آن گره و سایر گره‌های موجود در شبکه است. گره‌های دارای شاخص نزدیکی بالا، از قدرت تأثیرگذاری بیشتری در شبکه برخوردار است و نقش مرکزی‌تری در شبکه ایفا می‌کند؛ همچنین قابلیت بیشتری برای دسترسی سایر گره‌ها دارد. در مثال زیر رافائل از بالاترین مرکزیت نزدیکی برخوردار است؛ زیرا برای او ممکن است که از مسیرهای کوتاه به موجودیت‌های بیشتری برسد. همین‌طور مکان رافائل به او اجازه می‌دهد تا با موجودیت‌های دسته خودش و با موجودیت‌هایی که در سایر دسته‌ها گسترش یافته است، ارتباط برقرار کند (همان).

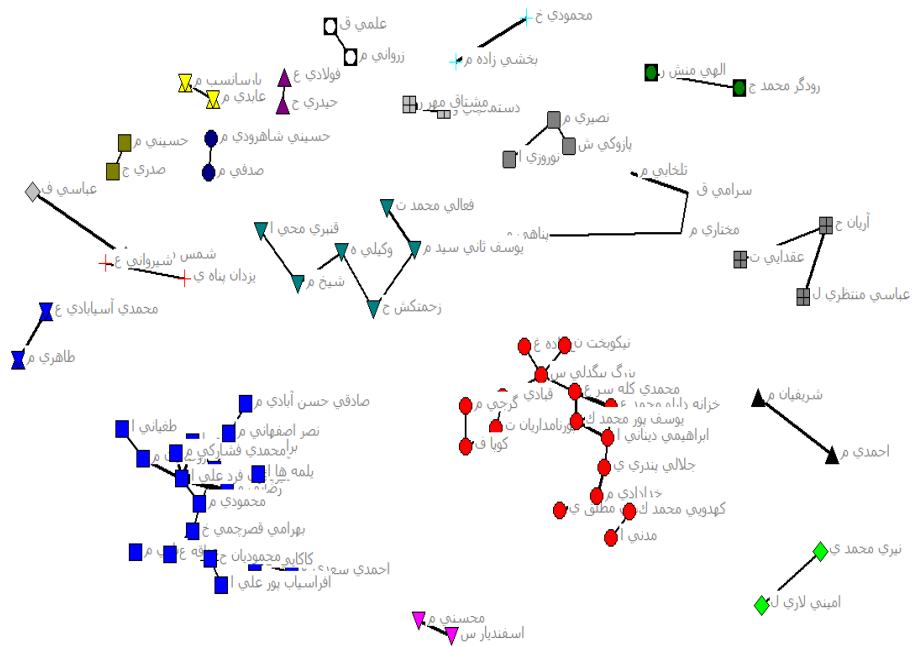


شکل ۴: شبکه نزدیکی مرکزیت عامل‌ها در یک شبکه (همان)

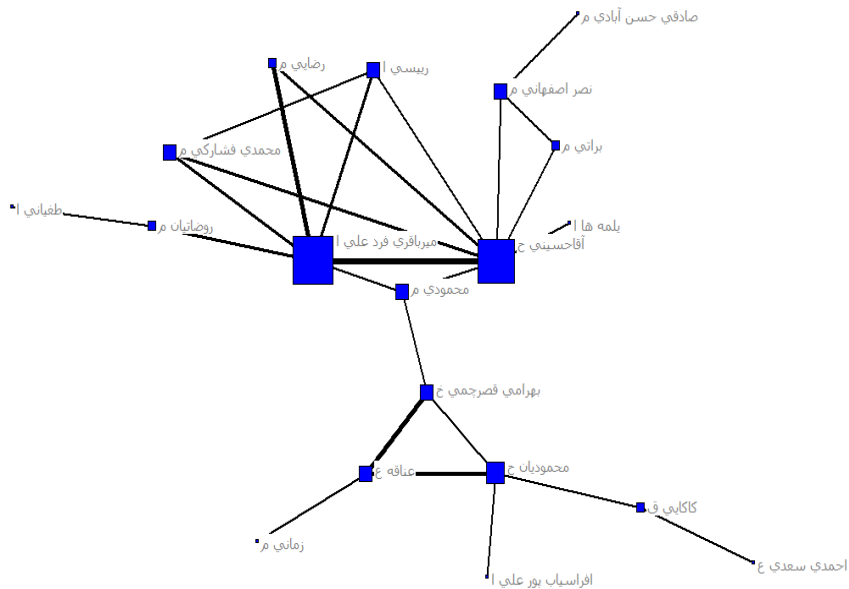
۳-۳-۱ شبکه‌های هم‌نویسندگی پژوهش‌های عرفانی

برای ترسیم نقشه هم‌نویسندگی، نویسندگانی با دست‌کم ۴ مقاله در شبکه هم‌نویسندگی بررسی شد. نقشه هم‌تألفی پژوهشگران عرفان در ایران - که با استفاده از نرم‌افزارهای بایب‌اکسل، UCInet و NetDraw و ایجاد ماتریکس ترسیم شده است - در شکل ۵ دیده می‌شود. این نقشه ۷۹ گره (پژوهشگر) و ۲۰ شبکه مختلف را نشان می‌دهد که بزرگ‌ترین آنها به ترتیب شامل ۱۹ و ۱۶ پژوهشگر است. این دو شبکه بزرگ به‌طور مجزا در شکل‌های ۶ و ۷ بزرگ‌نمایی شده است. همان‌طور که اشاره شد، چنانکه در شکل ۵ مشاهده می‌شود، این نقشه شبکه‌های دیگری را نیز در بر دارد که تعداد افراد آنها از شبکه‌های ۱۹ و ۱۶ نفره کمتر است؛ این شبکه‌ها عبارت است از: یک

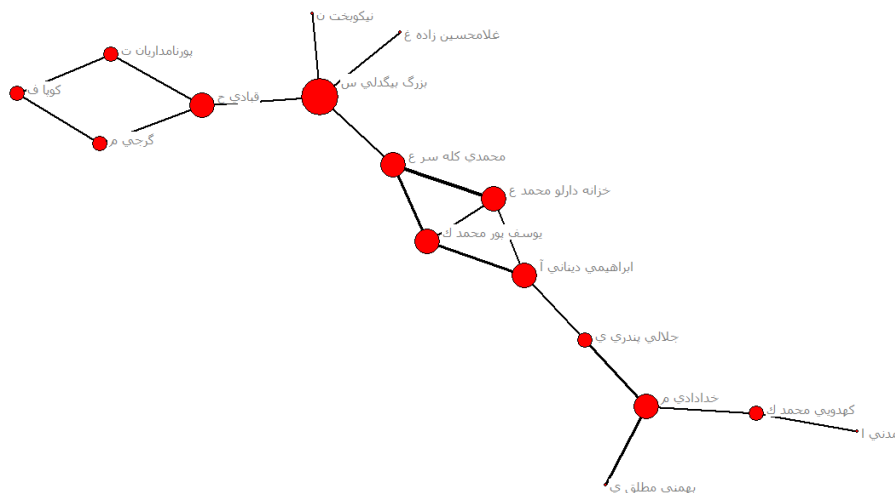
شبکه ۶ نفره، یک شبکه ۴ نفره، دو شبکه سه نفری (در مجموع ۶ نفر)، پانزده شبکه دو نفری (در مجموع ۳۰ نفر).



شکل ۵: شبکه هم‌تألیفی پژوهشگران حوزه عرفان



شکل ۶: بزرگ‌ترین شبکه هم‌تألیفی پژوهشگران عرفان (۱۹ پژوهشگر)



شکل ۷: دومین شبکه بزرگ هم‌تألیفی پژوهشگران حوزه عرفان (۱۶ پژوهشگر)

۲-۳-۳ تحلیل داده‌ها

برای تحلیل نقشه‌های بالا لازم است آن را برپایه سه نوع مرکزیت نامبرده در بخش پیشین بررسی کرد. داده‌های مربوط به ۱۵ پژوهشگر برتر عرفان برپایه انواع مرکزیت در جدول ۶ ارائه شده است. نام افرادی که در هر سه نوع مرکزیت جزو ۱۵ پژوهشگر برتر هستند پررنگ شده است.

همان‌طور که دیده می‌شود «علی‌اصغر میرباقری‌فرد» بیشترین میزان مرکزیت درجه را دارد؛ زیرا او بیشترین تعداد همکاری را با سایر پژوهشگران در حوزه عرفان داشته است. از سوی دیگر، «محمودی» بالاترین مرکزیت بینابینی را از آن خود کرده است؛ شکل ۶ موقعیت استراتژیک این پژوهشگر را نشان می‌دهد که توانسته است با پیوند دو گروه بزرگ به یکدیگر، بزرگ‌ترین شبکه هم‌تألیفی در حوزه عرفان را ایجاد کند. «حسین آقاحسینی» و «بهرامی قصرچمی» نیز کمابیش وضعیتی مشابه «محمودی» دارند. به‌طوری‌که راه‌های ارتباطی بسیاری از گره‌های دیگر از این دو گره (نویسنده) می‌گذرد. از نظر مرکزیت نزدیکی نیز «حسین آقاحسینی» و «محمودی» بیشترین امتیاز را از آن خود کرده‌اند و «علی‌اصغر میرباقری‌فرد» در جایگاه بعدی قرار دارد. این افراد بیشترین نزدیکی را به سایر پژوهشگران حوزه عرفان دارند و به همین سبب بیشترین قدرت تأثیرگذاری در شبکه را از آن خود کرده‌اند (شکل ۶). بنابراین، این چهار نویسنده در حوزه

پژوهش‌های عرفانی، به سبب نقش مستحکمی که در انواع مرکزیت‌ها داشته‌اند، حضور کلیدی و راهبردی آنان در روابط هم‌تألیفی با جایگاهی ویژه از دیگر نویسندگان این حوزه متمایز می‌شود.

جدول ۶: رتبه‌بندی پژوهشگران برپایه مرکزیت‌های درجه و بینابینی و نزدیکی

رتبه برپایه مرکزیت نزدیکی			رتبه برپایه مرکزیت بینابینی			رتبه برپایه مرکزیت درجه		
رتبه	نام پژوهشگر	رتبه	رتبه	نام پژوهشگر	رتبه	رتبه	نام پژوهشگر	رتبه
۱	میرباقری فرد علی	۱	۰/۷۲	محمودی م	۱	۱۶	۱	۱
۲	آقاحسینی ح	۲	۰/۶۷	آقاحسینی ح	۲	۱۴	۲	۲
۳	میرباقری فرد علی ا	۳	۰/۶۷	بهرامی قصرچمی خ	۳	۸	۳	۳
۴	بهرامی قصرچمی خ	۴	۰/۵۹	بزرگ بیگدلی س	۴	۶	۴	۴
۵	رئیزی ا	۵	۰/۵۲	محمدی کله‌سر ع	۵	۶	۵	۵
۶	محمدی فشارکی م	۶	۰/۴۷	ابراهیمی دینانی آ	۶	۶	۶	۶
۷	رضایی م	۷	۰/۴۴	محمودیان ح	۷	۶	۷	۷
۸	محمودیان ح	۸	۰/۴۲	میرباقری فرد علی ا	۸	۵	۸	۸
۹	نصر اصفهانی م	۹	۰/۴۱	جلالی پندری ی	۹	۵	۹	۹
۱۰	براتی م	۱۰	۰/۳۵	خدادادی م	۱۰	۵	۱۰	۱۰
۱۱	عناقه ع	۱۱	۰/۳۴	قبادی ح	۱۱	۵	۱۱	۱۱

۰				۱		م	
۰	روضاتیان م	۱۲	۰/۲۲	۱	۲	مشتاق مهر ر	۱۲
۰	یلمه‌ها ا	۱۳	۰/۲۲	۱	۳	یوسف‌پور محمد ک	۱۳
۰	کاکایی ق	۱۴	۰/۱۶	۱	۴	ابراهیمی دینانی آ	۱۴
۰	افراسیاب‌پور علی ا	۱۵	۰/۱۶	۱	۵	بزرگ بیگدلی س	۱۵

۴- نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر افزایش روبه‌رشد پژوهش‌ها در حوزه عرفان و تصوف در ایران نشان‌دهنده افزایش علاقه پژوهشگران به بررسی این مباحث در سطح تخصصی و دانشگاهی است. تحلیل داده‌های مربوط به میزان استناد مقاله‌ها و منابع آنها بیانگر این واقعیت است که موضوع نیمی از پراستنادترین تحقیقات عرفانی، بررسی شخصیت‌های بزرگ ادبیات عرفانی و افکار و آثار و سخنان آنان است. موضوعات گزاره‌ای، تاریخی، بین‌رشته‌ای یا تحلیل مفاهیم و... موضوع نیمی دیگر از این مقالات است. به همین سبب مقالات دارای بیشترین منابع ارجاعی، به سبب توجه بیشتر به مباحث و موضوعات تاریخی - توصیفی، از حوزه مقالات پراستناد کمابیش بیرون می‌ماند.

ارزیابی نویسندگان برتر از نظر میزان استناد به مقاله‌های ایشان و نیز شاخص اچ نشان می‌دهد که با وجود تعداد بسیار زیاد پژوهشگران این حوزه، تنها هفت پژوهشگر، شاخص اچ بالا دارند که از میان آنها نیکوخت، برترین پژوهشگر است. دیگر آنکه میزان استناد نویسندگان به مقاله‌های یکدیگر در حوزه عرفان نسبت به دیگر حوزه‌ها بسیار محدود است و این بیانگر فردگرایی این پژوهشگران است.

همچنین میزان و نوع تعامل نویسندگانی که دست‌کم چهار مقاله پژوهشی داشتند (۷۹ پژوهشگر) با دیگر پژوهشگران، در ۲۱ شبکه مجزای هم‌نویسندگی ۱۹ تا ۲ نفره بررسی شد. نتیجه ارزیابی و تحلیل انواع مرکزیت درجه و بینیت و مجاورت نویسندگان در بزرگ‌ترین این شبکه‌ها،

یعنی دو شبکه ۱۹ و ۱۶ نفره، نشان می‌دهد که علی اصغر میرباقری فرد، حسین آقاحسینی، محمودی و بهرامی قصرچمی در شبکه‌های هم‌نویسندگی، بالاترین مرکزیت‌ها را در شبکه‌های هم‌تألیفی دارند و به همین سبب از تأثیرگذارترین پژوهشگران در حوزه پژوهش‌های عرفانی از نظر تعامل و ارتباط مؤثر با دیگر نویسندگان به شمار می‌روند. می‌توان گفت جایگاه این نویسندگان در میان دیگر مؤلفان، به سبب حلقه واسط واقع شدن، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

پی‌نوشت

۱. *h-index* شاخصی است که نخست در سال ۲۰۰۵ م. فیزیکدانی با نام *Jorge E. Hirsch* آن را ارائه کرد؛ از این رو با عنوان شاخص *h* شهرت یافت.

منابع

- ۱- خاصه، علی اکبر؛ صادقی، سعید؛ عزتی، ابراهیم؛ غفاری، سعید (۱۳۹۵). «بررسی جایگاه مطالعات قرآنی در تولید علم جهانی با استفاده از فنون علم‌سنجی»، *فصلنامه مطالعات قرآنی*، دوره ۷، شماره ۲۸، ۶۷-۶۹.
- ۲- سهیلی، فرامرز (۱۳۹۱). *تحلیل ساختار شبکه‌های اجتماعی هم‌نویسندگی بروندهای علمی پژوهشگران علم اطلاعات به منظور شناسایی و سنجش روابط، تعاملات و راهبردهای هم‌نویسندگی در این حوزه*، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه شهید چمران اهواز، گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی.
- ۳- عصاره، فریده (۱۳۷۶). «کتاب‌سنجی»، *مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، شماره ۳ و ۴، ۶۳-۷۴.
- ۴- عصاره، فریده؛ حیدری، غلامرضا؛ زارع فراشبندی، فیروزه؛ حاجی زین‌العابدینی، محسن (۱۳۸۸). *از کتاب‌سنجی تا ویسنجی*، تهران: چاپار.
- ۵- عصاره، فریده؛ سهیلی، فرامرز؛ منصوری، علی (۱۳۹۳). *علم‌سنجی و دیداری‌سازی اطلاعات*، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

6- Borgman, C. L. (1990). *Scholarly communication and bibliometrics*, Newbury Park, CA: Sage.

7- Hirsch, J.E. (2005). "An index to quantify an individual's scientific research output", *Proceedings of the National academy of Sciences of the United States of*

America, 102 (46), 16569-16572.

8- Hudson, J. (1996). "Trends in multi-authored papers in economics", *Journal of Economics Perspectives*, 10 (3), 153-8.

9- King, J. (1987). "A review of bibliometric and other science indicators and their role in research evaluation", *Journal of information science*, 13 (5), 261-276.

10- Lawani, S.M. (1977). "Citation analysis and the quality of scientific productivity", *Bioscience*, 27 (1), 26-31.

11- Long, H., Plucker, J. A., Yu, Q., Ding, Y., & Kaufman, J.C. (2014). "Research productivity and performance of journals in the creativity sciences: A bibliometric analysis", *Creativity Research Journal*, 26 (3), 353-360.

12- Truex, D.P., Cuellar, M.J., & Takeda, H. (2009). "Assessing scholarly influence: Using the Hirsch indices to reframe the discourse". *Journal of the Association of Information Systems*, 10 (7), 560-594.

13- Yan, E., & Ding, Y. (2009). "Applying centrality measures to impact analysis: A coauthorship network analysis", *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, 60 (10), 2107-2118.